



نشر شده

جیمز ام. کین
غرامت مضاعف
ترجمه‌ی بهرنگ رجبی

فصل یکم

با ماشین رفتم گلندل تا سه تا راننده‌ی کامیون تازه به بیمه‌نامه‌ی یه شرکت آبجوسازی اضافه کنم که مورد تمدیدیه‌ی هالیوودلند یادم اومد. گفتم اون جا هم برم. این جوری شد که پا گذاشتم تو اون «خونه‌ی مرگ»، دربارش تو روزنامه‌ها خونده‌ین. وقتی من دیدمش اصلاً شبیه «خونه‌ی مرگ» نبود. صرفاً یه خونه به سبک اسپانیایی بود، شبیه باقی شون تو کالیفرنیا، دیوارهای سفید، سقف سفالی قرمز، یه طرفش حیاط. کچ و کوله ساخته بودنش. پارکینگ زیر خونه بود، طبقه‌ی اول روش بود، بقیه‌ی خونه رو هم هر جا تونسته بودن پخش و پلا کرده بودن. تا در ورودی باید چندتایی پله بالا می‌رفتی، برا همین هم ماشینو پارک کردم و رفتم بالا. یه خدمتکاری سرشو آورد بیرون.

«آقای نردلینگر هستن؟»

«نمی‌دونم آقا. کی می‌خواد ببیندشون؟»

«آقای هاف.»

«اون وقت کارشون چیه؟»

«شخصیه.»